

در محله

وقتی از مدرسه آمدم، برادر بزرگ‌ترم را دیدم. او با دوستانش کوچه را با لامپ‌های رنگارنگ تزیین کرده بودند. سرود زیبایی شنیده می‌شد. آن‌ها به رهگذران شربت و شیرینی می‌دادند.

در مسجد

هنگام اذان برای خواندن نماز جماعت به مسجد رفتم. روی پرچم‌های رنگارنگ با خط زیبایی نوشته شده بود:
«مهدی جان؛ تولدت مبارک»
همه شاد و خندان بودیم و خود را برای یک جشن بزرگ آماده می‌کردیم.



فردا نیمه‌ی شعبان است. روز تولد امام مهدی (علیه‌السلام).
پدرم می‌گوید: او کسی است که همه‌ی ما منتظر آمدنش هستیم.
وقتی او بیاید، همه با خوبی و خوشی در کنار هم زندگی می‌کنند.

دوست دارم



کاری کنم تا امام مهدی (علیه‌السلام) مرا بیشتر دوست داشته باشد. مثلاً برای تولدش جشن بگیرم یا ... انسان خوب و راستگویی باشم و به دستورات خدا عمل کنم.



جشن بگیریم

خوب است ما بچه ها هم برای جشن نیمه ی شعبان برنامه ای تهیه کنیم.

- ۱- من و دوستم با کمک پدرم کوچه را چراغانی می کنیم.
- ۲- دیوار کلاس ها را تزئین می کنیم.
- ۳- برای دعوت از افراد کارت دعوت درست می کنیم.
- ۴- برای پذیرایی شیرینی و شربت پخش می کنیم.
- ۵- ...مادرم برای جشن نذری درست می کند.

یک کار خوب

ای امام زمان من تو را خیلی دوست دارم و همیشه دعا می کنم که زودتر ظهور کنی تا قلم و ستم از بین برود و عدالت و خوبی برقرار شود.

